

Children,s World Congress on child labour Florence - Italy 10-13 May 2004

ما کودکان شرکت کننده در اولین کنگره جهانی کودکان کارگر، علیه کار کودک، به ایتالیا آمده ایم. از گوشه های مختلف جهانیم، به زبان های متفاوتی صحبت می کنیم، در شرایط گوناگونی رشد کرده ایم، با فرهنگ های مختلف، و گذشته های متفاوتی هم داریم؛ اما در یک نقطه مشترکیم!

"ما می دانیم که کار کودک باید از بین برود."

کنگره ما موفق بود. هر چند که جای تعداد زیادی از نمایندگان مهم مان خالی بود. این کودکان ویزا دریافت نکردند، به این دلیل که دولت ایتالیا حضورشان را به لحاظ امنیتی ریسک می دانست. کودکانی که امکان حضور نیافتند، خود را به شدت مورد تبعیض قرار گرفته حس می کنند.

همه ما جای آن ها و ابراز عقایدشان را در این کنگره خالی می دانیم. چرا که این کودکان از قسمت هائی از جهان قرار بود شرکت کنند که بیشترین تعداد کودک کارگر را دارند. در کنگره بعدی اما ما انتظار حضورشان را داریم و خواستار آن هستیم. چرا که صدای آنان بیانگر موقعیت شان است و باید به گوش جهانیان برسد.

برای شرکت در این کنگره، هر کشوری پروسه های متفاوتی را از سر گذراند و روش های مختلفی را برای انتخاب نمایندگان اتخاذ کرد. بسیاری از کودکان شرکت کننده خودشان کارگر بودند و یا در این باره تجربه کاری داشتند. کودکان دیگر هم در این باره شنیده و آموخته بودند و مبارزه علیه آن را در دستور خویش قرار داده بودند؛ با احساس مسئولیت و هدف از بین بردن این جنایت که علیه ۲۴۶ میلیون کودک در گوشه و کنار جهان صورت می گیرد.

همه ما کفایت و لیاقت شرکت در این کنگره را داشتیم و نقش فعال و موثری به عهده گرفتیم. به همین دلیل، مباحث این سه روزه بسیار بارور بود و این خود به دلیل فعالیت های مختلف و سهم به عهده گرفتن دیگرانی بود که می خواستند به ما نیرو و امکان این را بدهند که بر گرفتاری های مان فائق آئیم.

قبل از این که بحث درباره کودک کارگر شروع شود، باید بدانیم که تنها راه دستیابی کودکان به حقوق شان ممنوعیت کار آن هاست. و این به نوبه خود بخش بسیار مهمی در زمینه حقوق پایه ای بشر است. ما باید از خودمان سوال کنیم که چرا همه ما انسان ها از داشتن چنین حق اساسی ای (حقوق بشر) محروم هستیم؟

مقوله صلح نیز نقش موثری در دست یابی به حقوق انسانی دارد. زمانی که در صلح زندگی می کنیم، هر کودک نه تنها شانس بهتری برای رسیدن به حقوقش دارد، بلکه پتانسیل و توان بیشتری برای ساختن دنیای امروز و تحویل آن به نسل بعدی بشر را خواهد داشت.

وقتی که بحث درباره کار کودک را آغاز کردیم، متوجه شدیم که انواع مختلفی از کار کودک در گوشه و کنار جهان وجود دارد. ربوته شدن توسط باندهای مواد مخدر، کار بردگی، حمل مواد مخدر، استثمار

جنسی، در تجارت سکس، مزارع پنبه، کارخانه های بزرگ و کارگاه های کوچک، ماهیگیری، کار در کشتی، ماشین شوئی در گاراژها، فروشندگی در خیابان یا بازار، حمل زیاله، خشت زنی، حمل و نقل، راه سازی، ساختن ابزار پزشکی و جراحی، کار خانگی، سربازی اجباری، و بسیار مشاغل دیگر.

این کودکان هر روز مورد ظلم اند و کسی باید سخن گوی شان باشد. هنگامی برخی از مردم به ویژه دولت ها از این مسئله اطلاع یافتند، آن را پنهان نمودند و چشم بر روی آن بستند. اما این بی توجهی هیچ تغییری در این فاکت زنده و عینی به وجود نمی آورد که کار کودک وجود دارد و باید فوراً در شکل پر مخاطره آن که به جسم و روح کودکان آسیب وارد می آورد، ممنوع گردد.

در طول کنگره بسیاری از کودکان اظهار نمودند که به دولت های شان باور ندارند، چرا که آن ها فقط قول های پوشالی می دهند. آن ها قول های زیادی برای ممنوعیت کار کودک و تحصیل اجباری و رایگان و رفاه اجتماعی مناسب داده اند، اما هرگز به قول های شان جامه عمل نپوشانده اند و کماکان بیشتر و بیشتر پول خرج تولید اسلحه می کنند؛ در حالی که بسیاری از کودکان جهان نمی توانند بخوانند و بنویسند، سرپناهی برای زندگی ندارند و شکم شان گرسنه و سفره شان خالی است. آن ها باید این چیزها را که اساسی ترین و ضروری ترین وسایل برای رسیدن ما به حقوقمان است در اختیار ما قرار دهند. این وظیفه دولت هاست که حقوق ما را رعایت کنند. متوقف کردن کار کودک و تحصیل اجباری و رایگان با کیفیت بالا.

ما گله ها و انتقادات زیادی از و به دولت های مان داریم. وقتی که ما صحبت از دولت ها می کنیم، منظورمان فقط دولت های کشورهای خودمان نیست، بلکه تمامی مسئولان دولتی در سطح بین المللی را مورد نظر داریم. تمامی این دولت ها در سطح ملی و فرا ملی وظیفه دارند که حقوق ما را رعایت کنند. اولین و مهم ترین قدم در این راه این است که به حرف های ما گوش فرا دهند. باید در زمینه های مختلف تصمیم گیری کودکان را دخالت دهند. دولت ها باید برای کودکان فرصت هائی به وجود آورند که بتوانند رشد کنند. و مقعیت شان را تغییر دهند. برای این که کودکان همان قدر آینده اند که حال اند و باید موقعیت امروزشان تثبیت شود. دولت ها باید به کار گرفته شدن کودکان را جرم تلقی کنند، اما هرگز کودک را مجرم ندانند. کودکان قربانی کارند. آن ها باید کسانی را که کودکان را مورد سوء استفاده قرار داده به آن ها خشونت روا می دارند، مجازات و تنبیه کنند.

دولت ها باید قوانینی را که وضع کرده اند رعایت کنند، اما قوانین جاری کافی نیستند و باید قوانین جدیدی وضع شوند. حقوق معلم ها باید بالا رود. معلم ها باید خود تحصیل کرده و دوره دیده باشند و کار آن ها باید مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب، تحصیل اجباری و رایگان و با کیفیت بالا باید تمامی کودکان را جدا از جنسیت و نژاد و موقعیت اقتصادی، مذهب، محل تولد، شهروند بودن، قوم، ملیت و زبان شامل شود.

همه کشورها باید مسئله کار کودک را جزو مواد درسی قرار بدهند. دولت ها باید برای بزرگ ترها ایجاد شغل کنند تا کودکان مجبور به کار نشوند. حقوق بزرگ ترها باید رعایت شود و به آن احترام گذاشته شود. تمامی کارگران جهان باید از حق تشکیل کارگری و حق تجمع در محل کار بهرمنند شوند. چرا که این می تواند آن ها را از امکانات ایمنی محل کار برخوردار کند و از حق اشتغال شان محافظت نماید. والدین کارگر باید از حق

بیمه برخوردار باشند تا کودکان آن‌ها مجبور به کار نشوند. دولت‌ها باید یک برنامه ثابت برای متوقف کردن کار کودکان داشته باشند.

این نقشه عمل‌ها اما باید با نظرخواهی از کودکان همراه شود. دولت‌ها موظف‌اند که بر پروسه صرف هزینه‌های منظور شده برای ایجاد امکانات رفاهی برای کودکان نظارت داشته باشند و اجازه ندهند که این امکانات در دست افراد ناباب قرار گیرد.

دولت‌ها باید روشی را اتخاذ کنند تا بتوانند پروسه تولید را کنترل کنند و تشخیص بدهند که در این پروسه از کار کودک استفاده نشده باشد. دولت‌ها باید نه فقط با هم، بلکه با مردم و اتحادیه‌های کارگری نیز در این زمینه همکاری داشته باشند تا اقدامات آن‌ها تاثیرات بیشتری بگذارد. از طرف دیگر، جامعه انسانی باید از کار کودکان با خیر شود و به ما کمک کند که بر کار دولت‌ها نظارت کنیم و توسط آنان به کار گرفته نشویم. به این معنی، سازمان‌های غیردولتی ان.جی.او.ها، باید به طور مستقیم و غیر مستقیم برای کودکان کار و فعالیت کنند.

و این هم چنین وظیفه والدین است که به حرف کودکان گوش فرا دهند. کودکان به عشق و احترام و مراقبت نیازمندند. این امر بر عهده والدین قرار دارد که کودکان یک زندگی شاد و تثبیت شده خانوادگی داشته باشند. والدین باید هم مسئولیت بپذیرند و هم حق رای داشته باشند. و وقتی که حق رای داشته باشند، باید سخن گوی کودکان باشند. همین‌طور باید حق رای را برای کسانی که به حقوق کودکان احترام می‌گذارند هم قائل شد. وقتی که والدین به خواست‌های کودکان بی‌توجه‌اند و حقوق آنان را پامال می‌کنند، دولت‌ها باید به نفع کودکان وارد عمل شوند. والدین باید به مقولاتی مانند استثمار جنسی کودکان و خشونت علیه آنان بپردازند و آن‌ها را به بحث بگذارند؛ حتی اگر تخصص ویژه‌ای در این زمینه ندارند. به این دلیل که این تنها راه اطلاع یافتن کودکان از حقوق طبیعی خود و سالم و محفوظ ماندن آنان است. والدین باید از مسائل مهم آموزشی کودکان و مشکلات جنسی آنان اطلاع داشته باشند و در رفع آنان بکوشند. والدین باید از مقوله کار کودک و ضایعات ناشی از آن که خود بزرگ‌سالان را هم در بر می‌گیرد، آگاهی یابند.

ما اکنون راه حل‌های مان را برای خاتمه دادن به کار کودک بیان می‌کنیم.

ما کودکان باید گردهم‌آئی‌هایی را برای پاسخ دادن به سوالات درباره مقوله کار کودک و حقوق کودکان در سطح محلی و در شهر و روستاها فراهم آوریم. ما باید کودک به کودک را در این زمینه آموزش دهیم و از حق کودکی دفاع کنیم. ما باید یک پارلمان کودک در هر کشور به وجود بیاوریم که نه تنها جنبه سمبلیک دفاع از حقوق کودکان را داشته باشد، بلکه بر تغییر موقعیت آن‌ها _ که فکر می‌کنیم بسیار نامناسب است _ تاثیر مستقیم بگذارد. در این پارلمان‌ها یک نماینده هم می‌تواند از طرف دولت آن کشور حضور داشته باشد.

نمایندگان این پارلمان‌ها می‌توانند در سطح ملی و فرا ملی در کنگره‌های بین‌المللی حضور به هم رسانده، به بررسی مشکلات و قوانین پرداخته، گزارش آن‌ها را به دولت‌ها و افکار عمومی در سطح کشوری و

فراکشوری اطلاع دهند. ما باید شبکه ای از کودکان تشکیل دهیم تا بتوانیم ارتباط مان را حفظ نموده از این طریق در سطح بین المللی مقوله کار کودک را منعکس کنیم.

فقط به وسیله همکاری ماست که ما می توانیم قدرت داشته باشیم و به کار کودک خاتمه دهیم. این شبکه می تواند از تمانی کودکان جهان تشکیل شده و همه آن ها را در بر گیرد و داستان زندگی شان را در اختیار افکار عمومی قرار دهد. این شبکه می تواند به ما و کار پر دردمان علیه استثمار کودکان کمک های موثری بنماید. این شبکه هم چنین می تواند از اقدامات و یا عدم اقدام دولت ها، وفاداری آن ها به تعهدات شان و یا پوشالی بودن قول و قرارهای شان، جامعه انسانی را مطلع سازد.

ما فکر می کنیم که این شبکه باید از هنرهای مانند رقص و موسیقی و تئاتر برای انعکاس دادن وضعیت کودکان کارگر استفاده نماید. این یک روش است که به وسیله آن هم مقوله غم انگیز کار کودک به اطلاع افکار عمومی می رسد و هم علیه آن، نیرویی را جمع و متحد می کند.

ما باید علیه کار کودک در دهات و روستاها، آن جا که نیروئی برای مبارزه وجود ندارد یا قوی نیست، به فعالیت بپردازیم. اطلاع درباره کار کودک بعضا منحصر به مردم شهرها می شود و مردم دهات از خطرناک بودن کار برای کودکان اطلاع ندارند. ما باید آنان را به صحنه بکشانیم.

ما قول می دهیم که فعالیت برای از بین بردن کار کودک را ادامه دهیم و دنیای بهتری برای کودکان بسازیم. و حالا ما از همه شما می خواهیم که به ما به پیوندید، چرا که فقط با اتحاد می توانیم آزادی کامل را برای همه به دست آوریم. در این همبستگی و دوستی می توان جهانی سالم تر و مسالمت آمیزتر برای همگان پی ریزی کرد. امروز قدرت در دست ماست. ما آینده را می سازیم.

ما "حالیم" و صدای ما "آینده" است.

برگردان و تکثیر: «جمعیت انقای کار کودک در ایران»

۲۰ مه ۲۰۰۴

suzanbahar@hotmail.com